

تحلیل قرآنی روایی گام های بین المللی تمدن ساز عصر ظهور از منظر آیت الله خامنه ای (دام ظلّه)

معصومه کاشفی زاده^۱ (نویسنده مسئول)

خدیجه حسین زاده^۲

چکیده

ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین المللی اسلامی) به عنوان پنجمین مرحله از فرآیند تحقق هدف های اسلامی در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای آمده و بیانیه گام دوم این نوید را داد که آرمان بزرگ انقلاب «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور» است. امید به آینده در دیدگاه ادیان مختلف، از توجه خاصی برخوردار است. در راستای ترسیم دیدگاه آیت الله خامنه ای به عنوان اندیشمند دینی در سه عرصه فردی، اجتماعی و بین المللی، مقاله پیش رو؛ با روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه ای در صدد است به تحلیل قرآنی-روایی گام های بین المللی تمدن ساز عصر ظهور از منظر ایشان بپردازد. یافته های پژوهش حاضر، حاکی از آن است مهم ترین گام های بین المللی تمدن ساز دارای

۱. دانش آموخته سطح چهارتفسیر تطبیقی و مدرس جامعه الزهرا  haramm@chmail.ir

۲. پژوهشگر رشته ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا  و مدرس مؤسسه

آموزشی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com.

دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. ایمان به خدا و باور به وعده‌های الهی در بُعد بینشی؛ قدرتمندی، عبودیت و تبری، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در این عرصه شمرده شده که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، گام‌های تمدن‌ساز، گام‌های بین‌المللی، بیانیه گام دوم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، عبودیت.

مقدمه

هدف از خلقت بشر، خدایی شدن است؛ برای دستیابی به آن مؤمنان و جامعه ایمانی وظایفی به عهده دارند؛ از جمله وظائف آنان طی کردن گام‌هایی جهت زمینه‌سازی «تمدن بین‌المللی اسلامی» است البته تحقق کامل آن در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود. حضرت آیت الله خامنه‌ای فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی)» می‌داند. ایشان به عنوان اندیشمند دینی «چکیده منظومه فکری» خود را که برگرفته از «قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام» (متن دین و قرآن کریم) است در بیانیه گام دوم مرقوم نمودند. بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام، «انقلاب» را «به آرمان بزرگش» که «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» هست، نزدیک خواهد کرد. ایشان تصریح دارند: جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواح‌نفاذ باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می‌شود (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۶ / ۰۹ / ۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2865>)؛ بنابراین می‌توان دیدگاه ایشان در تمدن‌سازی عصر ظهور را از ابعاد سه‌گانه فردی، اجتماعی و بین‌المللی بررسی کرد؛ از این رو مقاله پیش‌رو با روش توصیفی و تحلیلی به این سوال می‌پردازد که گام‌های بین‌المللی تمدن‌سازی عصر ظهور از منظر آیت الله خامنه‌ای دارای چه مستندات قرآنی و روایی است؟

پیشینه

با جستجوی انجام گرفته نوشتاری با عنوان «تحلیل قرآنی-روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌سازی عصر ظهور از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» یافت نشد اما آثار مرتبطی در این زمینه

وجود دارد؛ به عنوان نمونه پایان نامه ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن در دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران با عنوان «مبانی قرآنی و روایی دیدگاه مقام معظم رهبری در باره تمدن‌سازی نوین اسلامی» نگارش حامد خدایاری به راهنمایی محمد فراهانی در بهمن سال ۹۷، نام برد که نگارنده در آن به مراحل و مؤلفه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی، همچنین به موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی و راه‌های قرآنی و روایی آن از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و در نهایت نیز مبانی قرآنی و روایی بیانیه گام دوم انقلاب را آورده است. پایان نامه مذکور به مبانی پرداخته ولی نوشتار حاضر گام‌ها را مد نظر دارد. اسماعیل عارفی گوروان در مقاله «زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» با بررسی نظام فکری معظم له، به برخی عوامل بیرونی و درونی‌کننده حرکت تمدن اسلامی اشاره و ذکر نموده که ایشان بروز انقلاب را اسلامی ایران را نقطه خیزش جدید برای تمدن اسلامی به شمار آورده‌اند، سپس به مراحل تکوین تمدن نوین اسلامی از منظر ایشان پرداخته است؛ از این رو به نظر می‌رسد نوشتار حاضر که بُعد سوم از گام‌های تمدن‌سازی را دنبال می‌کند، کاری جدید باشد.

مفهوم شناسی

قبل از شروع بحث، به تبیین مفهومی دو کلمه کلیدی «تمدن» و «عصر ظهور» در پرداخته می‌شود:

الف: تمدن

واژه «تمدن» کلمه‌ای عربی از ریشه (م د ن) به معنای «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۴/۹۴۲) و به عبارت دیگر به معنای «شهرنشینی» است و به صورت مجازی در معنای «تربیت» و «ادب» (ر.ک: همان؛ یادداشت به خط مرحوم دهخدا) به کار رفته است. کلمه «تمدن داشتن» نیز مصدر مرکب به معنای «دارای تربیت بودن» (ر.ک: همان) است و ناظم الاطباء آن را به

معنای «شهرنشین بودن و در مرحله کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن» (ر.ک: همان) آورده است. همچنین کلمه «تمدن tamaddon» در دو حالت «مصدری» به معنای «شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن»؛ و «اسمی» به معنای «همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و ...» به کار رفته است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۴۶۳).

تمدن در اصطلاح تعابیر گوناگونی دارد، در یک دسته بندی، به تعاریف «انسان محور، فرهنگ محور، جامعه محور، و تاریخ محور» تعریف شده اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳: ۲۱-۴۵). در یکی از تعابیر، عبارت «تشکل هماهنگ انسان‌ها، در حیات معقول، با روابط عادلانه، و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه، در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها، در همه ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۷۹: ۷) آمده است. در تعبیر دیگر تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی اطلاق می‌شود که در عرصه داد و ستد اجتماعی و حیات مشترک انسان‌ها مجال بروز یافته و ماندگار شده است. در واقع تمدن، تجلی آثار و نشانه دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ مردم یک سرزمین در زمان و مکان معین است (شایان مهر، ۱۳۸۴: ۱۷۳).

حضرت آیت الله خامنه‌ای مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت همه جانبه با مفهوم اسلامی را «ایجاد تمدن نوین اسلامی» می‌دانند که خود دارای دو بخش «ابزاری» (ارزش‌هایی مانند علم، اختراع) و بخش «متنی» (سبک زندگی) است و به عبارتی، بخش اول، بخش «سخت افزاری» و بخش دوم، بخش «نرم افزاری» تمدن به حساب می‌آیند؛ معتقدند اگر در بخش دوم پیشرفت نکنیم، پیشرفت های بخش اول نمی‌تواند ما را رستگار کند. هدف آن نیز تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است (ر.ک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) ایشان هدف از جامعه تمدنی را با «حیات طیبه» قرین دانسته، در مورد حیات طیبه فرمودند: حیات طیبه یعنی زندگی در

رُویه مادی و نیازهای جسمانی، همچنین در لایه نیازهای معنوی (علمی، عملی، و روحی) پاسخگو باشد (امام خامنه ای، ب بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۹/۰۲/۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>)؛ در جای دیگر سخن را فراتر برده و درباره تمدن نوین اسلامی چنین فرمودند: تمدن نوین اسلامی یعنی رساندن این نسل ها به آفاق جدید؛ شاد کردن دل های آنان؛ کرامت بخشیدن به انسان، کرامتی متناسب انسان (ر.ک: بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۳۱/۰۲/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26468>) و معتقدند که اسلام می تواند این امور را به انجام برساند. بنابراین «تمدن» در دیدگاه ایشان همه جانبه بوده، دارای دو بخش ایزاری و اصلی، به هدف تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است.

ب: عصر ظهور

کلمه «عصر» در کتب لغت در چند معنا به کار رفته؛ «زمان، روزگار، دوره» و «فشردن» برخی از معانی آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۱۰۰۵)؛ همچنین در کتب لغت کلمه «ظهور» نیز دارای چند معناست که «آشکار شدن، نمایان شدن» یک معنای آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۹۸۷). در تفسیر کلمه «العصر» (عصر: ۱) حویزی در تفسیر نور الثقلین، حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که منظور، عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است (حویزی، ۱۴۱۵: ۵/۶۶۶، ح ۵). علامه طباطبایی مراد از عصر را «عصر ظهور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم» می داند و بعد از ذکر اقوال مختلف در مورد این کلمه، به این نکته اشاره دارد که طبق بعضی روایات، مراد «عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام» است که در آن عصر حق بر باطل به طور کامل غلبه کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۵۵-۳۵۶).

حضرت آیت الله خامنه ای شروع زندگی واقعی بشر را از زمان حضرت حجت علیه السلام دانسته، تصریح دارند عصر ظهور در انتهای وضع کنونی زندگی بشر است. ایشان در فروردین سال ۹۹، در سخنرانی تلویزیونی خود چند نکته مهم را در مورد حضرت حجت علیه السلام

یادآور شدند از جمله اینکه تصریح کردند که «زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولی عصر شروع می شود». (ر.ک: سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۹۹/۰۱/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>).

همچنین در پیام به کنگره حج، با عنایت به آیه وعد (نور: ۵۵) نوید به وعده الهی دادند و فرمودند: «تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4821>) ایشان نشانه این وعده تخلف ناپذیر را در دو امر «پیروزی انقلاب اسلامی» و «بنای بلندآوازه نظام اسلامی» دانسته، معتقدند این دو امر ایران را به «پایگاه مستحکم برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی» تبدیل کرد (ر.ک: همان). حضرت آیت الله خامنه‌ای برای تمدن سازی اسلامی، امید می دهند که «کانون آن در ایران اسلامی» است، می فرمایند: «ما هیچ کاری در مقابل خودمان نداریم که از اصل پیروزی انقلاب، بزرگتر و از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سخت تر باشد. این ملت توانست سخت ترین کارها را انجام بدهد؛ یعنی یک نظام اسلامی و یک جزیره امن و امان الهی در وسط این اقیانوس متلاطم مادّیگری، کفر و طغیان به وجود بیاورد. قدرتمندان عالم بدانند، کانون همان نیروی عظیم اسلامی که امروز در همه جای عالم، تخت استکبار و قدرت استکباری را به لرزه درآورده، در همین منطقه اسلامی و در ایران اسلامی است. این کانون اجازه نخواهد داد که آنها در این منطقه، حکمرانی و قدرت نمایی بکنند و سیاست این منطقه را به دست بگیرند. این منطقه، منطقه اسلامی و متعلق به مسلمانان است (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۶۹/۱۰/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>).

حضرت آیت الله خامنه‌ای فرآیند تحقق هدف های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین المللی اسلامی)» می دانند (ر.ک: بیانات در خطبه های نماز

جمعه، ۲۸/۰۵/۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>) و در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی نیز فرمودند: «هدف نهائی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق، قرار داد» (امام خامنه‌ای، ۲۶/۰۶/۱۳۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>). ایشان در پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، به این نکته اشاره کردند که حرکت تاریخی ملت ایران در حال بنا نهادن یک تمدن است. معظم‌له، پایه اصلی تمدن را بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی دانستند که در پرتو آن همه چیز از جمله علم را به ارمغان می‌آورد (ر.ک: پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی: ۱۳۷۳/۰۱/۰۱).

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2707>) در جای دیگر می‌فرمایند: امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوران‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته تر است و به خاطر پیشرفت معرفت‌هاست که ما به زمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه نزدیک شده ایم (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۰۳/۰۹/۱۳۷۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2983>).

ایشان «ایمان» را درجه اول نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» دانسته، خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان بودن»، «قدرتمند بودن»، «شاکر خدا بودن» و «بنده خدا بودن» و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» دانسته و گویند که این بخش «سلوک عملی» است؛ همچنین معتقدند که اسلام به این‌ها و موارد دیگر به صورت عام یا خاص پرداخته و همه در اسلام وجود دارد منتها دستیابی به آن به عهده اهل استنباط و اهل نظر است (ر.ک: بیانات، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). بعد از شناخت دو مفهوم کلیدی، در مقاله حاضر گام‌های بین‌المللی آن از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دو گام سلوک بینشی و سلوک عملی، همراه تحلیل قرآنی-روایی، بررسی می‌شود.

۱- گام‌های سلوک بینشی

خدای متعال در آیات متعددی مؤمنین را از قرار گرفتن زیر سلطه کفار منع کرده است مانند آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است. برای تمرکز در آیه لازم است مفهوم دو کلمه سبیل و مؤمنین ذکر شود. کلمه «سبیل» در لغت به معنای «طریق» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ص ۱۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۳۱۹) و راهی نرم که هموار باشد (رک: راغب، همان، ص ۳۹۵-۳۹۶) آمده است و در این آیه به این معناست که «خدای متعال هرگز کفار را مافوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد»؛ بیشتر مفسران نیز برای آن، دو معنای «غلبه» (رک: طوسی، بی تا، ج ۳: ص ۳۶۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۴: ص ۲۸۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵: ص ۱۱۶) و «حجت» (رک: طوسی، همان؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱: ص ۲۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۵۱۳) را استعمال و بر هر کدام وجوهی ذکر کرده‌اند که ذکر تفصیلی آنها جای دیگر را می‌طلبد. در زمان نزول آیه دو کلمه «اسلام» و «ایمان» به یک معنا بوده و در موارد بسیاری از قرآن کریم نیز آن دو کلمه به یک معنا استعمال شده؛ پس «مؤمن» در این آیه در مقابل کافر و شامل همه فرق مسلمین (خاصه و عامه) است (رک: موسوی بجنوردی، همان، ص ۲۰۲). ظاهر عبارت «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» چنین است که خدای متعال در این آیه می‌فرماید در عالم تشریح هیچ گونه حکمی (در باب عبادات، معاملات و سیاسات) که موجب سبیل و سلطنت کافران بر مؤمنان باشد وجود ندارد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ص ۱۹۶-۱۹۵). در آیه دیگر می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ...» (آل عمران: ۲۸)؛ مؤمنان نباید، کافران را- به جای مؤمنان- سرپرست [و دوست خود] گیرند؛ و هر کس چنین کند، پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست؛ طبق آیه افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد. «اولیا» جمع «ولی» به معنای عهده‌دار شدن تدبیر

امور مربوط به شیء است. کلمه «... مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ...» بیان می‌کند که محبت کافران را بر مؤمنان ترجیح می‌دهد و آنان را به جای مؤمنان بر می‌گزیند (طباطبایی، همان، ج ۳: ص ۱۶۲). نهی خداوند متعال از ولایت کافران بر مؤمنان به این معناست که آنها نباید عهده‌دار امور مربوط به مؤمنان باشند و بر آنان سلطه یابند. همین معنا از آیه ۱۴۴ سوره نساء نیز استفاده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را دوست (و سرپرست) مگیرید؛ آیا می‌خواهید، علیه خود دلیلی روشن، برای خدا قرار دهید؟»

بنابراین در آیاتی از قرآن به حرمت پذیرش حکومت کافر، از ناحیه مؤمنان همچنین به نامشروع بودن هرگونه حکومت و سلطه کفار بر مسلمانان می‌پردازد: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴) و در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) هر نوع حکومت بر مؤمنان را در ولایت الهی و کسانی می‌داند که خدا اذن داده است و به نامشروع بودن هر نوع حکومتی بر مؤمنان، جز ولایت موارد مذکور تصریح دارد. نتیجه این که مؤمنان به مقتضای ایمان خود، این استحقاق را می‌یابند که خدای متعال به حکم جعل تشریحی، آنها را از زیر سلطه کفار خارج کند. مؤمنین در سایه ایمان خود باید در برابر هرگونه اعمالی که موجب تسلط کفار بر آنان شود، مقاومت کنند تا وعده الهی مبنی بر جهانی شدن دین حق را تحقق بخشند. با این مقدمه، بحث «ایمان به خدا» و «باور به وعده‌های الهی»، مهم‌ترین گام سلوک بینشی در زمره گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور است که در اینجا تحلیل آن ارائه می‌شود.

الف: ایمان به خدا

درجه اول نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «ایمان به خدا»

است (ر.ک: بیانات ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) در بیان دیگر فرمودند: حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنافداه یک حکومت مردمی به تمام معناست یعنی متکی به ایمان‌ها، اراده‌ها و بازوان مردم است؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد آن حضرت با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده، گریبان ستمگران عالم را گرفته و کاخهای ستم را ویران می‌کند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>).

حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقدند که همه امت اسلامی در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. ایشان شاخصه‌های تمدن اسلامی را «ایمان»، «علم»، «اخلاق» و «مجاهدت مداوم» برمی‌شمارند که تمدن اسلامی می‌تواند با این موارد، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و در مقابل ارکان تمدن امروزی غرب که شامل جهان بینی مادی، ظالمانه و اخلاقی ناپسند است، نقطه‌رهایی باشد (ر.ک: بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۰۹ / ۰۲ / ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>). ایشان معتقدند جامعه مد نظر اسلام جامعه‌ای است که از لحاظ «مادی» و «معنوی» باید با هم پیشرفت کند در این صورت است که آن خصوصیات استثنائی جامعه و تمدن اسلامی خود را با ترکیبی از دنیا و آخرت نشان می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰ / ۰۸ / ۱۳۸۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3366>) و می‌فرمایند: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار از معنویت باشد و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم، می‌کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹ / ۰۹ / ۱۳۹۲،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>.

علامه طباطبایی ذیل آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ... (نور: ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد ساخت، چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و حتماً دینشان را که برایشان پسندیده است به سودشان استقرار خواهد بخشید، و قطعاً بیمشان را به ایمنی مبدل خواهد کرد. این در حالی است که مرا می پرستند و چیزی را شریک من نمی سازند» می نویسند: خدای متعال به کسانی که دارای دو ویژگی «ایمان» و «عمل صالح» هستند وعده داده که به زودی برای آنان جامعه ای پدید می آورد که به تمام معنا صالح بوده و در عقاید و اعمال افراد آن جامعه، جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. از خصوصیات چنین جامعه ای، «عبادت خالصانه» است. چنین مجتمعی تا کنون در دنیا منعقد نشده و تنها مصداق آن نیز در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۵۵).

در این آیه خدای متعال به مؤمنان درست کردار برای تشکیل حکومت دینی و حاکمیت آنان در آینده، وعده مؤکد داده همچنین به حاکمیت یکتاپرستی، بر جامعه و پیدایش حکومت صالحان، در آخر الزمان وعده داده و به حکومت امام مهدی علیه السلام بشارت داده است؛ از سوی دیگر حاکمیت دین و فرامین الهی بر اجتماع، از اهداف حکومت مؤمنان می باشد. از عبارت «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» در این آیه به دست می آید که در طول تاریخ، حکومت ها پی در پی تشکیل یافته و بعد از مدتی سقوط پیدا کردند و در نهایت به دست مؤمنان قرار می گیرد. در آیه «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَ لَيْسَ الْمَصِيرُ» (نور: ۵۷) سخن از ناتوانی کافران، در جلوگیری از تحقق وعده الهی، به منظور حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح است. غیر از آیه وعده (نور: ۵۵) در آیاتی دیگر نیز مانند آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) خدای متعال به تشکیل حکومت واحد

جهانی، به دست بندگان صالح وعده داده است همچنان همه کتب آسمانی، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین نوید داده اند و این پیشگویی در قرآن و کتب آسمانی، از پیروزی و حاکمیت انسانهای صالح، در آخرالزمان می‌باشد. از ضمیمه کردن این آیه (انبیاء: ۱۰۵) به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) به دست می‌آید که تحقق حکومت جهانی صالحان، در پرتو اسلام و رسالت پیامبر اکرم ﷺ خواهد بود. عبارت «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (اعراف: ۱۲۸) نشانگر حاکمیت مؤمنان بر زمین، در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است.

ب: باور به وعده های الهی

دومین گام سلوک بینشی در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای «باور به وعده‌های الهی» است. ایشان وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه له را به عنوان مصداق وعده الهی نام برده، می‌فرمایند: این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است (امام خامنه‌ای، سخنرانی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه له ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2430>). معظم له به عنوان اندیشمند دینی، در مورد قطعیت غلبه صلاح بر فساد در جهان، بینش اسلامی را این گونه تبیین می‌نماید: از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است؛ رسالت همه انبیاء و اولیاء سوق دادن انسان به آن بزرگراه اصلی است که وقتی وارد آن شد بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد و در نهایت، صلاح بر فساد و قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>).

دیدگاه ایشان متکی به آیات قرآن کریم است. آیات متعددی به حکومت اهل تقوا و صالحان روی زمین، تصریح کرده، عباراتی مانند «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ تا آن را بر همه ادیان غالب [پیروز] گرداند»، «... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)؛ زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»، «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹؛ قصص: ۸۳)؛ عاقبت [نیک] برای تقوایندگان است»، «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲)؛ عاقبت [نیکو] برای [اهل] تقواستبر این نوع از حکومت اذعان دارند. آیاتی همچون آیه «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا؛ (نساء: ۱۲۲) وعده حق خداست» و آیه «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم: ۶)؛ خدا [این را] وعده داده است، و خدا وعده اش را خلاف نمی کند» بیانگر آن است که خلف وعده الهی، ممکن نیست. یکی از وعده های الهی در قرآن «غلبه اسلام» است که در سه آیه با عبارت «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ اوست آن که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند» به آن تصریح کرده است. محتوای دعوت رسول، «هدایت» و آیین او «حق» است؛ حقانیت دین، از آیات قرآن واحکام فردی واجتماعی، اعم از اخلاقی، قضایی، سیاسی و... فهمیده می شود مگر اینکه کسی جلوی فهم خود را گرفته باشد. در مورد اینکه مراد از این «غلبه» چه چیز است، مفسران نظرات مختلف ارائه کرده اند که در اینجا دو نظر عمده مطرح می شود: ۱. «پیروزی منطقی و استدلالی»؛ برخی معتقدند این امر، حاصل شده است، چرا که اسلام از نظر قدرت منطق و استدلال بر تمامی آئین های موجود برتری دارد (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۸ / ۱۲۱؛ ۲۹۲ / ۱۶) قرطبی ذیل آیه ۹ سوره صف، آورده که از موارد ظهور، غلبه با «ید» در قتال است (ر.ک: همان: ۱۸ / ۸۶)؛ ۲. «غلبه ظاهری و غلبه قدرت»؛ عده ای گویند موارد استعمال کلمه «يُظْهِرُ» دلیل بر غلبه خارجی است، به همین دلیل می توان گفت علاوه بر مناطق بسیار وسیعی که امروز در قلمرو اسلام قرار گرفته، زمانی فرا خواهد رسید که همه جهان به طور رسمی در زیر این پرچم قرار می گیرد، و این امر به وسیله قیام مهدی ارواحنا فداه تکمیل می گردد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۸؛ ۹ / ۱۹۱-)

۱۹۲، وه ۴۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۸۲ / ۱۰؛ ۲۶ / ۶۹؛ مکارم، ۱۳۷۱: ۷ / ۳۷۱-۳۷۲؛ ۲۲ / ۱۰۱-۱۱۱؛ ۲۴ / ۸۴-۸۵). در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدرولا ویرالا ادخله الله کلمة الاسلام...؛ در روی زمین خانه‌ای از گِل یا کُرک، باقی نمی‌ماند، مگر اینکه خدای متعال اسلام را در آن وارد می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۸). علامه طباطبایی ذیل آیه ۹ سوره صف فرمودند: «إظهارُ شیءٍ علی غیره نُصْرَتُهُ و تغلیبه علیه (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۲۵۵)؛ اظهار چیزی در مقابل چیز دیگری به معنای نصرت و غلبه بر آن است». وعده‌های الهی در قرآن بسیار است که در این جا تنها نمونه‌ای از آن آمد. معارف دینی بر این نکته تکیه دارد که مؤمنان نباید تنها منتظر تحقق وعده خدای متعال بمانند (انتظار مذموم) بلکه در عصر غیبت وظیفه دارند برای عصر ظهور، زمینه‌سازی نمایند. از جمله این زمینه‌سازی‌ها، فراهم کردن موقعیتی برای تحقق عبادت خالصانه است که یکی از وظایف مؤمنان به شمار می‌رود. هرچند خدای متعال اراده کرده است که عبادت خالصانه را در آن زمان محقق نماید؛ اما باید دانست که زمینه‌های آن، باید از قبل فراهم گردد؛ یکی از آن زمینه‌ها برای تحقق عبادت خالصانه، «ایمان واقعی» است. با دقت در آیات مذکور به این نکته پی برده می‌شود که برای تمدن‌سازی عصر ظهور لازم است بینش دینی را «طبق خواسته الهی» تنظیم کرد نه طبق آن چه دشمن برای مؤمنان طراحی کرده‌اند؛ این امر یک گام اساسی به شمار می‌رود. بعد از توضیح در «ایمان به خدا» و «باور به وعده های الهی» به عنوان دو گام مهم سلوک بینشی در تمدن‌سازی نوین اسلامی، ضروری است که مؤمنان در بُعد رفتاری نیز گام‌های سلوک عملی را بپیمایند؛ در ذیل، تحلیل سه گام از آن، خواهد آمد:

۲- گام‌های سلوک عملی

حضرت آیت الله خامنه‌ای در «تمدن‌سازی نوین اسلامی» خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان بودن»، «قدرتمند بودن»، «شاکر خدا بودن» و «بنده خدا بودن و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» دانسته و گویند این بخش «سلوک عملی» است (رک: بیانات

در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳،
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). مقام عظمای ولایت در بحثی بر
غلبه رویش ها نسبت ریزش ها، تأکید دارند و مسئله رویش های نوبه نو در نظام جمهوری
اسلامی را یکی از اساسی ترین و مهم ترین مسائل دانسته و می فرمایند: اکنون باید نگاه به
آینده ای روشن و دور داشت، آینده دور همان «ایجاد تمدن اسلامی» است (ر.ک: بیانات در
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱،
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26468>). ایشان در بیانیه گام دوم نیز به
صراحت آورده اند که «رویش های انقلاب بسی فراتر از ریزش ها است و دست و دل های امین
و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان، خائنان و کیسه دوختگان است» (بیانیه گام دوم
انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، در این
مجال به سه گام «قدرتمندی»، «عبودیت» و «تبری» به عنوان مهم ترین گام های تمدن ساز
نوبین اسلامی از منظر ولیّ امر مسلمین پرداخته می شود:

الف: قدرتمندی

حضرت آیت الله خامنه ای، دو اصل «ایمان به خدا» و «فداکاری» را از عوامل پیروزی بر
هر قدرتی برشمرده، قائلند که ملت ایران در دو عرصه دوران انقلاب و جنگ، با آن دو
توانست به موفقیت دست پیدا کند. در این خصوص می فرمایند: اگر یک مجموعه عظیم
مردمی، به خدا ایمان داشت و دل او با نور ایمان روشن و آماده فداکاری بود، می تواند بر هر
قدرتی که بزرگتر از آن نباشد، پیروز شود. این، یک اصل است. ملت ایران، این اصل را
تجربه کرده است. ایشان دو نمونه از تجربه پیروزی در سایه ایمان و آمادگی برای فداکاری را
شامل دوران انقلاب و جنگ نام می برند (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم:
۱۳۶۹/۱۰/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>؛ در بیانی دیگر
فرمودند: ملت ایران با همت جوانان و استعدادش، توانسته است بخشی از مسائل را طی
کند. افق هم روشن، و آینده در چشم مردم ایران آینده امیدبخشی است؛ این پیشرفت ملت

ایران است (ر.ک: بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>، ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

مقام عظمای ولایت قائلند عدالت حضرت مهدی علیه السلام که جهانی است با موعظه به دست نمی‌آید بلکه استقرار عدالت در سطح جهان، نیاز دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت طلب، «قدرت» را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند؛ با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند باید با زبان اقتدار صحبت کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار افشارمختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>، ایشان در چهارمین توصیه در بیانیه گام دوم که درباره عدالت و مبارزه با فساد است چنین مرقوم داشته‌اند: عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر ارواح‌نافداه میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) آیاتی از قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد به مقدار توانایی خود در مقابل کفار، تجهیزات جنگی که به آن احتیاج پیدا می‌کنند تهیه کنند. یکی از این آیات آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... (انفال: ۶۰)؛ و برای [رویارویی با] آنان هرچه توانستید نیرو و اسب‌های بسته آماده کنید...» است. علامه طباطبایی در ذیل آیه به بحث حکومت اسلامی پرداخته آن را حکومت انسانی (یعنی حکومتی که حقوق همه افراد را رعایت نماید) می‌داند و از سوی دیگر ایشان دشمن منافع یک جامعه اسلامی را دشمن منافع تمامی افراد بر می‌شمارد و نتیجه می‌گیرد که بر همه افراد لازم است که با قیام خود دشمن را از خود و منافع خود دفع نمایند و تاکید دارد که باید برای چنین زمانی، نیرو و اسلحه را آماده داشته باشند و برخی از آمادگی‌های دفاعی را کسب

نمایند. از این رو تکلیف در «أَعِدُّوا» را به عهده همگان می دانند نه این که فقط به عهده حکومت باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۱۱۴-۱۱۵).

ب: عبودیت

دومین گام سلوک عملی از دید مقام عظمای ولایت، «بنده خدا بودن و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» است. ایشان جوهر اصلی جامعه اسلامی را در عنصر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد مردم دانسته می فرمایند: اولین وظیفه، ایجاد ارتباط و اتصال محکم تر با خدای متعال و بندگی خالص تر و بهتر است (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29853>) و مهم ترین مسئولیت جامعه اسلامی را کمال معنوی و الهی انسان ها برشمرده و فرمودند: جامعه ای که به عبودیت خدا (معرفت کامل خدا) می رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می کند؛ این نهایت کمال انسانی است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>) معنای روح توحید این است که انسان از غیرخدا عبودیت نکند و در مقابل غیرخدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2735>) در دیدار با جمعی از روحانیون، هدف از تبلیغ را دعوت به عبودیت فردی و اجتماعی نام برده خاطر نشان کردند هدف تمام پیامبران، سوق دادن مردم به صراط مستقیم یعنی عبودیت است؛ و باید مردم را به عبودیت الهی سوق دهید. عبودیت در زمینه اخلاق، عمل فردی و اجتماعی کاربرد دارد و وقتی عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحث های سیاسی هم در حوزه کار شما قرار می گیرد بنابراین عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و به عمل شخصی، عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... گسترش می یابد (امام خامنه ای، بیانات ۰۳ / ۱۰ / ۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>).

در آموزه های قرآن بحث از جبهه عبودیت آمده، به عنوان نمونه، آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ

الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح: ۲۹)؛ محمد پیامبر خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند. آنان را می‌بینی که در رکوع و سجده‌اند و فضل و خشنودی خدا را طلب می‌کنند. علامت آنان بر اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست»، چهار مؤلفه جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند: ۱. همراهی با رسول ﷺ؛ ۲. قوی و شدید در مقابل بیگانگان، مهربان در ارتباط با خودی‌ها؛ ۳. عبودیت افراد جامعه؛ ۴. تلاش با امید به فضل خدا. در این قسمت از آیه، همراهی عبادی و سیاسی یاران رسول اکرم ﷺ را بیان کرده، می‌فرماید: همراهان رسول خدا ﷺ افزون بر رحیم و مهربان بودن نسبت به یکدیگر و در برابر بیگانگان، شدید و با صلابت‌اند؛ عبادت (رکوع، سجود، شب زنده داری) را دارند و جبهه عبودیت بر خاک می‌سایند.

ج: تبری

«تبری» نیز یکی دیگر از گام‌های سلوک معنوی در کلام مقام عظمای ولایت است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون در باره لزوم بیان تحلیل سیاسی در کنار اخلاق و معنویت، به نکات مهمی در امر تبلیغ پرداختند از جمله فرمودند سه دشمن را معرفی کنید: دشمن درونی (نفس اماره یا شیطان رجیم)، دشمن اجتماعی (شیطان بزرگ یا شیطان‌های گوناگون) و ایادی و اذنان شیطان (شیطان‌های قدرتمند عرصه سیاسی). در ادامه فرمودند: عبودیت الهی یعنی اجتناب از «انداد الله» (ر.ک: بقره: ۱۶۵؛ ابراهیم: ۳۰؛ سبأ: ۳۳) و تبری جستن از همه آشکال آن؛ دعوت به عبودیت، نفی همه اینها را می‌طلبد. در کنار عبودیت فردی باید صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد و در آن جا باید طاغوت‌ها از زوال شده، افشا گردند؛ هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شر طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ، ۱۰/۰۳ / ۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>). بر اساس اعتقاد به بینش اسلامی

یکی از وظایف انسان معتقد به این مبانی، عبودیت و اطاعت از خدای متعال؛ عبودیت با آن معنای وسیع و کامل آن، است. توحید، شامل اعتقاد به وجود خدا و نفی الوهیت هر آنچه غیر اوست از این رو در عمل دو وظیفه وجود دارد: اول، عبودیت و اطاعت از خدای متعال و دوم، تبری از اطاعت «انداد الله» (مربوط به: بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۲/۰۹/۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>).

مقام معظم رهبری در جای دیگر از بیانات خود، خط کلی نظام اسلامی را «رسیدن به تمدن اسلامی» دانسته و تحقق تمدن اسلامی به طور کامل را در دوران ظهور حضرت حجت می دانند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، می فرمایند: تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است؛ در دوران ظهور تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. دوران ظهور حضرت بقیة الله، اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر و با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت است. خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است، این خط اگر با جدیت، پشتکار، شناخت آنچه که لازم است و عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند سرنوشت حتمی آن این است که تمدن اسلامی يك بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند و این امری «شدنی» و کاری است که باید گام به گام باشد، هر گامی محکم تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می کنیم، همراه باشد (بیانات: ۱۴/۰۷/۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028>).

در قرآن کریم سه مانع پیشرفت انسان را «نفس»، «شیطان» و «طاغوت» معرفی شده اند. نفس در لغت به معنای جان و روح (دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۰۸) است. قرآن از سه قسم نفس، نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه نام برده است. نفس اماره دارای دو نقش اساسی ۱. امر کننده انسان به بدی؛ «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ (یوسف: ۵۳)؛

و من خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس سرکش بسیار به بدی وامی‌دارد»، ۲. زیبا جلوه دادن کارهای زشت؛ «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً (یوسف: ۱۸)؛ بلکه نفس شما کاری [ناشایسته] را برایتان جلوه داده است» است. انسان توسط نفس لوامه ملامت می‌شود «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامت: ۲)؛ و سوگند می‌خورم به نفس ملامتگر [که شما برانگیخته خواهید شد]». نفس مطمئنه برخوردار از خشنودی و رضایت خدای متعال است و عنایت خاص الهی شامل حال او می‌شود «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (فجر: ۲۷-۳۰)؛ ای نفس آرام و مطمئن، خشنود و مورد رضایت [خدا] به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو». نفسی که مانع از اتصال به خدا است همان نفس اماره است.

کلمه شیطان در مورد هر موجود سرکش (جن، انسان، حیوان) اطلاق می‌شود (راغب،). شیطان با ابزارهای مختلف مانند دشمنی و کینه توزی میان انسان‌ها «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ (مائده: ۹۱)؛ شیطان فقط می‌خواهد به وسیله شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه پدید آورد» و مراجعه به طاغوت برای داوری «... يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء: ۶۰)؛ می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند» در صدد گمراه کردن انسان است. بازداشتن مؤمنان از یاد خدا و نماز، دو مورد از خواسته‌های شیطان است «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ ... وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ (مائده: ۹۱)؛ شیطان فقط می‌خواهد به وسیله شراب و قمار ... و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد». آیات متعدد قرآن کریم با گوشزد کردن دشمنی شیطان، انسان را از او تحذیر نموده و همچون دشمن، دستور به مقابله با او را داده است مانند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (فاطر: ۶)؛ بی‌شک، شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن خود بگیرید»، و او را دشمن آشکار نامیده «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم، از آنچه در زمین است و [برای شما]

حلال و دلپذیر، بهره‌برید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمنی آشکار برای شماست»، در بعضی آیات انسان را از اطاعت و پیروی شیطان نهی کرده مانند: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛» (یس: ۶۰)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او برای شما دشمنی آشکار است».

کسی که طغیان و تجاوز او از حق، شدید و مظهري برای دنیا و باطل است «طاغوت» نامیده می‌شود و در مقابل الله حق می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷، ذیل ماده ط غ ی). آیات قرآن کریم در مورد طاغوت و راه آنها، این مطلب را به مؤمنان تذکر می‌دهد که راه خدا با راه طاغوت و شیطان در تضاد است «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ (نساء: ۷۶)؛ آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند، و آنان که کفر ورزیده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند» همچنین می‌فرماید طاغوت‌ها ابزار کار شیاطین و هر دو (طاغوت‌ها و شیاطین) عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی هستند «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء: ۶۰)؛ آیا نظر نیفکنده‌ای به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند» در این آیه، کفر به طاغوت را راه مقابله و مخالفت با شیطان می‌داند. قرآن، پیامد حاکمیت و ولایت طاغوت را در دنیا انحراف جامعه از نور به ظلمات و در آخرت، جاودانگی در جهنم را بر شمرده، می‌فرماید: «... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۵۷)؛ و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. اینان اهل

آتش‌اند و در آن جاودان خواهند بود» این آیه، خدا را سرپرست کسانی می‌داند که ایمان آورده‌اند که آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد اما کسانی که با کفر خود، طاغوت‌ها را سرپرست خود قرار داده‌اند آنها را از نور به ظلمات می‌کشاند و پیامد آن نیز خلود در جهنم است.

بنا بر این طاغوت‌ها بزرگترین مانع تحقق حاکمیت الهی در عالم ملک هستند آن هم به خاطر تفکر طاغوت است که دنبال تمدن مادی هستند؛ از این رو برای ایجاد حاکمیت جهانی لازم است با تفکر طاغوتی (تمدن مادی) مبارزه کرد. دلیل این مطلب را می‌توان از عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (صافات: ۳۵؛ محمد: ۱۹)؛ معبودی جز خدا نیست» و «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ (بقره: ۲۵۶)؛ پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد» به دست آورد که ابتدا نفی تمام طاغوت‌ها را آورده و بعد از ایمان به خدا سخن رانده است.

خلاصه کلام این که اراده الهی در مورد انسان، مقام خلیفه الهی و اتصال به خدا است و اراده حضرت حق در باره جهان، ایجاد تمدن الهی توسط صالحان (ر.ک: انبیاء: ۱۰۵) برای رساند همه انسان‌ها به خود است. آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ... (نحل: ۳۶)؛ و همانا در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم که [بگوید:] خدا را پرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس، از آنان کسانی بودند که خدا هدایتشان کرد، و از آنان کسانی بودند که گمراهی برایشان مقرر شد» مهم‌ترین رسالت انبیاء بعد از دعوت به توحید را مبارزه با طاغوت‌ها معرفی کرده است؛ البته مردم در قبال این رسالت به دو دسته تقسیم شدند؛ در ادامه آیه مردم را به سیر در زمین فرمان می‌دهد تا به عاقبت تکذیب‌کنندگان بنگرند. در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مؤمنان برای زمینه‌سازی تمدن جهانی در مقابله با طاغوت‌ها چند وظیفه مهم را به عهده دارند که باید تحت نظر نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه، انجام دهند؛ شناخت افکار طاغوت‌ها؛ بیزاری از تفکر آنها، برائت از مجریان تفکر آنها و دوری از پیروان آنها، از جمله موارد مقابله با طاغوت‌ها می‌باشد. با این توضیحات به دست آمد که در یک

نگاه کلی به دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای سه گام «قدرتمندی، عبودیت و تبری» از مهم ترین گام های تمدن ساز عصر ظهور در بُعد سلوک عملی شمرده می شود.

نتیجه

حضرت آیت الله خامنه ای، ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین المللی اسلامی) را آخرین مرحله از فرایند خط کلی نظام اسلامی دانسته و تحقق کامل تمدن اسلامی را در دوران ظهور حضرت حجت علیه السلام می دانند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است. ایشان در بیانیه گام دوم که به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» است این گام را زمینه ساز «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» دانستند. تمدن سازی عصر ظهور نیازمند برداشتن سه گام فردی، اجتماعی و بین المللی است. دو مقاله قبل، عهده دار گام فردی و اجتماعی و این مقاله متکفل تحلیل گام بین المللی بود. مهم ترین گام های بین المللی تمدن ساز، دارای دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. ایمان به خدا و باور به وعده های الهی در بُعد بینشی؛ قدرتمندی، عبودیت و تبری، در بُعد عملی، از مهم ترین گام های بین المللی، از منظر آیت الله خامنه ای در این عرصه شمرده شده که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

پیشنهادها

۴. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد

اجتماعی)

۵. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد

بین المللی)

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم، ج: ۱، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲. ابن عاشور محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر والتنویر*، بی جا، بی نا.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، ج: ۳، چ: ۱، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، ج: ۱۱، چ: ۳، دارصادر.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، *غرر الحکم*، قم، ج: ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹ ش، *تمدن ها، مبانی و ارتباطات*، تنظیم: محمدرضا جوادی، بی جا، چ: ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ ق، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)*، قم، ج: ۱، چ: ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۸. حسینی، حسین، *روش تحلیل مؤلفه های مفهومی تمدن*، حکمت معاصر، سال پنجم، ش: ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، مصحح: رسولی، هاشم، قم، ج: ۵، چ: ۴، اسماعیلیان.
۱۰. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۷ ش، *بیانیه گام دوم انقلاب*.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ ش، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر: محمد معین، تهران، ج: ۱۴، بی نا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، چ: ۱، دار القلم.
۱۳. شایان مهر، علیرضا، ۱۳۸۴ ش، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، ج: ۴، چ: ۱، کیهان.
۱۴. _____، ۱۳۹۰ ش، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، ج: ۷، چ: ۱، کیهان.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ج: ۶، ۹، ۱۵، ۲۰، چ: ۲، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله ورسولی، هاشم، تهران، ج: ۵، ج: ۳، ناصر خسرو.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، ج: ۱۰، ج: ۱، دارالمعرفة.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج: ۳، ج: ۱، داراحیاء التراث العربی.
۱۹. فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، ج: ۱۱، ج: ۳، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، ج: ۱، ج: ۲، تهران، انتشارات الصدر.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ج: ۱، ناصر خسرو.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، طهران، ج: ۱، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ معین، تهران، ج: ۲، زرین.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، ج: ۷، ج: ۱۰، دار الکتب الإسلامية.
۲۵. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیة، قم، ج: ۱، نشر الهادی.
۲۶. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر حضرت آیت الله خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir/index>، تاریخ داندود: ۹۹/۰۷/۱۰.